

سخن سردبیر

مکتب و مدرسه سلیمانی

تاکنون واژه‌هایی مانند مکتب امام و سلیمانی (در حوزه حکمرانی) مکتب قم، نجف و تهران (در عرصه فقهی) مکتب نیاوران (در حوزه سیاسی) و مکتب اتریش و شیکاگو (در حوزه اقتصاد) را شنیده‌اید. در همین امتداد رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در خصوص شهید سلیمانی فرمودند: «سردار عزیز ما را به چشم یک مکتب، یک راه، یک مدرسه درس‌آموز با این چشم نگاه کنید. آن وقت اهمیت این قضیه روشن خواهد شد»^۱ «و نمونه برجسته‌ای از تربیت شدگان اسلام و مکتب امام خمینی (ره) بود»^۲ از دیگر سو (Governance School) هم «مدرسه حکمرانی» و هم «مکتب حکمرانی» ترجمه شده است. به عنایت به موارد مذکور با توجه به اینکه ویژه‌نامه حاضر در خصوص «مکتب سلیمانی» هست در این نوشتار درصدد پاسخ به این پرسش هستیم که منظور از «مکتب» و «مدرسه» چیست؟ و چه رابطه‌ای بین مدرسه و مکتب برقرار می‌باشد؟

مکتب:

در فرهنگ لغت کمبریج؛ منظور از مکتب نظرات^۳، عقاید^۴ و دیدگاه^۵ است. در فرهنگ لغت لانگ‌من؛ مکتب نظر یا طرز تفکر در مورد چیزی است که توسط گروهی از افراد به اشتراک گذاشته می‌شود. رهبر معظم انقلاب ویژگی‌های مکتب امام را ابتداء بر جهان بینی، نظام سازی و به‌روز بودن برشمرده‌اند.^۶ مکتب از دیدگاه شهید صدر «قاعده‌ای اساسی است که با ایده عدالت اجتماعی ارتباط دارد» (اقتصادنا: ۱۶)

شهید مطهری مکتب را «یک تئوری کلی و یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم می‌داند که هدف آن تکامل انسان و تأمین سعادت همگانی است». در تعریف مختار: مکتب؛ مجموعه‌ای منسجم از مبانی فلسفی (چیستی)؛ فلسفه‌های مضاف (چرایی) و نظریات (چیستی+چرایی) است که الگوهای مختلف حل مسائل در حوزه‌های گوناگون از آن استخراج می‌شود. از معیارهای کارآمدی یک مکتب توانایی آن در حل مسائل واقعی جامعه است. در ادامه به تبیین اجزای یک مکتب می‌پردازیم:

^۱ خطبه‌های نماز جمعه تهران ۹۸/۱۰/۲۷

^۲ پیام تسلیت رهبر انقلاب در پی شهادت سردار شهید سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او ۹۸/۱۰/۱۳

^۳ Options

^۴ Beliefs

^۵ View

^۶ بیانات در سالگرد ارتحال امام (ره) ۸۳/۰۴/۱۴ و ۹۴

مبانی فلسفی:

در این قسمت «چیستی» مبانی فلسفی مکتب شامل خدا [شناسی]، هستی [شناسی]، معرفت [شناسی]، انسان [شناسی]، ارزش [شناسی] و غایت [شناسی] تبیین می‌شود.

خدا شناسی، انسان شناسی، ارزش شناسی و ... مکتب سلیمانی هرچند بسیار کلی هستند و با علم صرف آن‌ها نمی‌توان مسائل را حل نمود ولی بر دیگر عناصر مکتب و مدرسه تأثیر می‌گذارند و برای حل مسائل واقعی باید از مبانی فلسفی یک سطح پایین‌تر آمد و فلسفه‌های مضاف را تبیین نمود.

فلسفه‌های مضاف:

در این بخش «چرایی» پرداختن به حوزه‌های گوناگون حکومت مانند دفاع، امنیت، فرهنگ، اجتماع، دین، سیاست خارجی، سیاست داخلی، حقوق، اقتصاد، علم و فناوری و عمران تشریح می‌شود. «چرایی» هریک از حوزه‌های متأثر از پاسخ‌هایی است که در مرحله قبل در خصوص «چیستی» مبانی فلسفی داده شد.

فلسفه جهاد و دفاع در مکتب سلیمانی دفاع از مظلومان، تقویت نهضت‌های آزادی بخش، بسط و گسترش اسلام ناب محمدی می‌باشد. در این سطح نیز هرچند به شناخت واقعیت‌های عینی نزدیک‌تر شده‌ایم ولی برای حل مسائل واقعی به نظریاتی نیاز داریم که با کمک آن‌ها بتوان پدیده‌ها را تفسیر، تبیین، پیش‌بینی، کنترل و متحول نمود.

نظریه:

در نظریات مفاهیم و سازه‌ها تعریف می‌شوند (چیستی) و رابطه آن‌ها با یکدیگر تبیین می‌شود (چرایی). به کمک نظریات هر حوزه می‌توان واقعیات را فهم کرد، آن‌ها را پیش‌بینی نمود و تغییر و تحول داد. نظریه دفاعی جمهوری اسلامی از مفاهیمی مانند بازدارندگی، همه‌جانبه بودن و مردم پایه‌گی و ... تشکیل شده است.

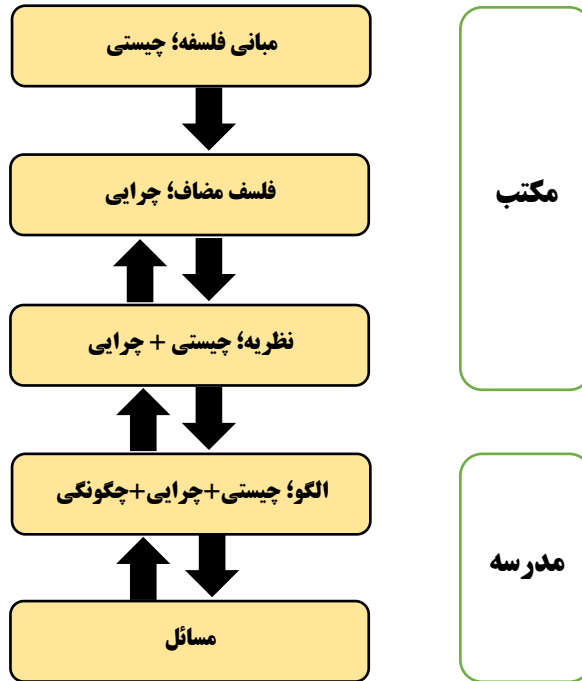
الگو:

الگوها برگرفته از نظریات هستند و در آن‌ها تأکید بر فرایند و چگونگی پیاده‌سازی نظریات است. الگوهای (الف) محتوایی، (ب) ساختاری، (ج) رفتاری و (د) بافتاری انواع مختلف الگوها هستند. توسعه محور مقاومت و تشکیل جبهه‌ای شامل حشد الشعبی، زینبیون، فاطمیون و مدافعان حرم (ایران) الگوی دفاعی سلیمانی در محور مقاومت بود.

مسائل:

در واقعیت با مسائلی روبرو هستیم که بیانگر فاصله وضع موجود و وضع مطلوب هستند. مسائل بغرنج^۱ - برای مثال داعش و مقابله با آن - دارای ویژگی‌های مانند پیچدگی، تعدد ذی‌نفعان و سخت فرموله شدن

می‌باشند که برای حل آن‌ها می‌بایست بخش‌های دولتی، مردم نهاد و خصوصی را با قاعده‌گذاری^۱ مناسب راهبری نموده و به سمت وضع مطلوب هدایت کرد. رابطه بین مبانی فلسفی، فلسفه مضاف، نظریه، الگو و مسائل در شکل زیر نمایش داده است:



پیکانهای دو طرفه بیانگر قیاسی و استقرایی بودن مدل است یعنی از حلِ موفقِ مسائل پیچیده می‌توان الگوها و نظریات علمی را توصیف نمود (استقرایی) یا با استفاده از نظریات هنجاری، می‌توان الگوهای مطلوب طراحی کرد (قیاسی).

همچنین پیکان‌های پایین به بالا بیانگر بازخور گرفتن و اصلاح در الگوها، نظریات و حتی فلسفه‌های مضاف است. آنها با توجه به کارآمدیشان در حل مسائل واقعی محک می‌خورند و اصلاح می‌شوند. برای مثال اگر به کارگیری الگویی سبب حل مسائل نشد، می‌توان در الگو بازنگری نمود و اگر ترمیم الگوها هم نتیجه بخش نبود در نظریات بازاندیشی کرد.

در مکتب مبانی فلسفی، فلسفه مضاف و نظریات تشریح می‌گردند و در مدرسه الگوهای حل مسائل استخراج و آموزش داده می‌شوند.

غلامرضا سلیمی

^۱ ruling